



گفتگو با امیر حسین نوبهار و  
محسن مهربابی  
دبیران جمعیت جوانان گراشی؛

اگر

جهانبانی

می ماند

چه می شد؟

جمعیت جوانان گراش و گروه ده نفره، دو نهاد عرفی و غیررسمی بود که چند ماه پیش از انتخابات توسط جوانان در گراش به وجود آمدند و نقش مهمی در شکل‌گیری اجماع و پیروزی کاندیدای جوان گراشی در انتخابات داشتند.

**محسن مهربابی و امیرحسین نوبهار** پایه‌گذاران و دبیران جمعیت جوانان گراش هستند. محسن مهربابی فرزند حبیب‌الله مهربابی از چهره‌های برجسته سیاسی و آموزشی گراش و امیرحسین نوبهار نیز فرزند عزیز نوبهار مدیر بنیاد فرهنگی نوبهار است.

رفاقت محسن و امیرحسین به سال‌های کودکی و نوجوانی بازمی‌گردد و علاقه به سیاست و تاریخ از همان دوران و به واسطه رشد در خانواده‌های فرهنگی و سیاسی و مطالعه کتاب‌های تاریخی به وجود آمد.

آنچه در ادامه می‌خوانید گفتگوی غیرحضوری و چتی با محسن مهربابی و امیرحسین نوبهار است؛ البته بیشتر نظرات به دلیل محدودیت‌های گفتگوی چتی توسط امیرحسین بیان شد و او نقش سخنگو را ایفا کرد.

در انتخابات اخیر شاهد حضور و نقش‌آفرینی جوانان بودیم که در دو گروه ده نفره و جمعیت جوانان ظهور و به نوعی رسمیت عرفی پیدا کردند. گروه ده نفره ابتدا به گفتگو و سپس برگزاری جلسه نامزدها و در نهایت طراحی و اجرای ساز و کار اجماع پرداخت. طرح و ایده شما در جمعیت جوانان چه بود و چه اقداماتی انجام دادید؟

**مهربابی:** تجربه دو انتخابات گذشته مجلس در گراش به نوعی شکست مردم بود و نشان داد طیف‌های سنتی اثرگذار سیاسی در

شهر مانند قبل توانمند نیستند. اجماع کاندیدها خواسته‌ای بود که دوره قبل رخ نداد و از ابتدا با این ایده که اجماع باید تبدیل به خواست عمومی شود، جمعیت جوانان به صورت یک کمپین کار خود را آغاز کرد.

اینکه تا پیش از این فضایی برای اثرگذاری قشر جوان در بزنگاه‌های مهم وجود نداشت، یک خسارت بود. ما توانستیم با «جمعیت جوانان گراش» نقش قشر جوان را پررنگ کنیم که خوشبختانه اثرگذار بود.

**نوبهار:** در واقع طرح و ایده ما شکستن حاشیه امنی بود که کاندیدها داشتند. ما نیاز داشتیم در افکار عمومی فشاری ایجاد کنیم تا کاندیدها بدانند راهی جز اجماع به هر شکلی ندارند. ما با برگزاری جلسات عمومی، هم مردم و هم کاندیدها را مخاطب قرار دادیم.

نکته دوم که محسن هم به آن اشاره داشت این بود که باید گروه جدیدی از بازیگران به وجود می‌آمد. قبضه شدن گراش در دست یک یا چند گروه خاص، همه چیز را تحت تاثیر قرار داده بود که باید تغییر پیدا می‌کرد.

**شما این تحلیل مسعود غفوری را قبول دارید که جمعیت جوانان یک کمپین بود که هدفش اثرگذاری و هدایت افکار عمومی بود؟**

**نوبهار:** در دو انتخابات گذشته (انتخابات سال‌های ۹۰ و ۹۴) به حیثیت سیاسی گراش خدشه وارد شده بود و در پی آن، ناامیدی در بین مردم به وجود آمده بود. جمعیت جوانان هدف اصلی‌اش بازیابی حیثیت سیاسی گراش و ایجاد انگیزه برای مردم در موضوع

انتخابات بود.

ما تا حدودی می‌پذیریم که جمعیت جوانان یک کمپین بود، اما تنها یک کمپین برای تبلیغات انتخابات نبود، بلکه یک کمپین برای ایجاد فشار افکار عمومی بر داوطلبان و برای رسیدن به اجماع بود.

ضمن اینکه تصمیم داشتیم، جمعیتی را به وجود بیاوریم که بدنه جوان ستاد کاندیدای اجماع را هم شکل دهد که این کار انجام شد و پس از انتخاب مهندس حسین‌زاده به عنوان کاندیدای اجماع گراش، اعضای جمعیت جوانان به ستاد ایشان پیوستند.

اما فراتر از این‌ها کار مهمی که جمعیت جوانان در این بین انجام داد، سیاسی‌تر کردن مردم بود. جمعیت جوانان علاوه بر گفتگو با کاندیداها، فضای گفتگوهای سیاسی بین گروه‌های مختلف مردم و به خصوص جوانان را به وجود آورد که این دستاورد بسیار مهمی برای شهر گراش است.

**برخی می‌گویند که شما علاوه بر فضا سازی در جامعه جهت به وجود آوردن فشار افکار عمومی برای متقاعد ساختن نامزدها و نخبگان برای اجماع، گفتگوهای مستقیم و بسیاری با داوطلبان نمایندگی مجلس در گراش و حتی بیرون از گراش داشتید. آیا چنین چیزی را تایید می‌کنید و این گفتگوها با چه هدفی بود؟**

**نوبهار:** بله ما از حدود ۶ ماه پیش از برگزاری انتخابات با داوطلبان و آن کسانی که احتمال داشت در انتخابات حضور داشته باشند، گفتگوهایمان را آغاز کردیم. شهریور ماه محسن با مهندس حسین‌زاده گفتگو کرد. یکی دو هفته بعد نیز من در شیراز جلساتی را با حسین‌شیری برگزار کردم.

موضوعات گفتگوی ما در خصوص تصمیم‌شان برای حضور در انتخابات، برنامه‌ها، دیدگاه‌شان در خصوص اجماع و طرح‌های پیشنهادی‌شان بود. علاوه بر داوطلبان گراشی ما با قاسمی، زارعی، جوکار و سپاده نیز به طور مفصل گفتگو کردیم.

**مهربابی:** گفتگوهای ما محدود به داوطلبان نبود و با معتمدین و چهره‌های اثرگذار نیز گفتگو کردیم. این گفتگوها زمانی آغاز شد که جمعیت جوانان گراش هنوز تشکیل نشده بود. ما به دنبال این بودیم موضوع انتخابات را به موضوعی همگانی تبدیل کنیم تا مردم و چهره‌های اثرگذار پای کار بیایند و نقش مثبت و مفید داشته باشند.

ما با برخی از اعضای گروه ۱۰ نفره، پیش از آنکه به ۱۰ نفر تبدیل شوند هم گفتگوی مستقیم و تک به تک داشتیم. به طور کلی گفتگوهای زیادی انجام دادیم و هدف ما این بود تا با گفتگو با افراد، اذهان را به هم نزدیک و در راستای یک هدف مشترک قرار دهیم.

**نوبهار:** هدف ما از گفتگو با کاندیداها، ابتدا شناخت دقیق افراد و برنامه‌هایشان بود و سپس بررسی دیدگاه‌های آنان و دستیابی به راهکار جامع برای رسیدن به اجماع بود. ما با تمامی داوطلبان حتی آنانی که تا پایان نماندند هم گفتگو کردیم.

**مهربابی:** یکی از دلایل اثرگذاری جمعیت جوانان و اینکه داوطلبان تا پایان ارتباط خوبی با جمعیت داشتند، گفتگوهای مستقیم و صمیمانه‌ای بود که از ماه‌ها پیش آغاز کرده بودیم. داوطلبان به جمعیت جوانان اعتماد داشتند و با روی گشاده با ما گفتگو کردند.

اگر حسین‌زاده و حسین‌شیری در دقیقه نود تایید نمی‌شدند و زودتر صلاحیتشان احراز می‌شد، پیش‌بینی می‌شد که ماجرای انتخابات سال ۹۴ در گراش تکرار شود و برخی ساز و کار طراحی شده از سوی گروه ده نفره را هم دیگر کارا نمی‌دانستند، چراکه تا پیش از آن دلخوش تمایلی به پذیرش آن ساز و کار نداشت و تنها فقیهی آن را پذیرفت. در چنین شرایطی به نظر می‌رسید که ساز و کار جمعیت جوانان که مبتنی بر فشار افکار عمومی و گفتگوی نزدیک و مستقیم با داوطلبان بود، کارا خواهد شد. ساز و کار دقیق شما چه بود؟

**نوبهار:** عدم احراز صلاحیت اولیه آقایان حسین‌شیری و حسین‌زاده یک شوک سیاسی به گراش وارد کرد که برخی از اتفاقات را دستخوش تغییر قرار داد.

در این رابطه تحلیلی وجود دارد که اگر این دو نفر و به خصوص حسین‌شیری که لار توجه بیشتری به آن داشت، زودتر تایید می‌شد، امکان اجماع در لار از طریق فشار افکار عمومی افزایش پیدا می‌کرد و ممکن بود آن‌ها در معرفی و یا در رای، به کاندیدای واحد برسند.

صبح فردای روزی که حسین‌شیری، حسین‌زاده و ابراهیم مهربابی به عنوان داوطلبان شاخص گراش تایید صلاحیت نشدند، یکی از کاندیداها با ما تماس گرفت و ضرب العجل ۴۸ ساعته مشخص کرد و نشان داد که قائل به پذیرفتن ساز و کار اجماع در آن شرایط نیست.

ساز و کاری که ما در آن شرایط پیش‌بینی کرده بودیم، ایجاد فضای گفتگوی بین نامزدهای نمایندگان مجلس بود. البته در بازه

زمانی عدم احراز صلاحیت حسین زاده و حسین شیری تا تایید صلاحیت، تاکیدمان بر گفتگو بین کاندیداهای گراش و منطقه بود. دو - سه داوطلب در منطقه حضور داشتند که افراد برجسته و باتجربه‌ای بودند. در این فضا ما گفتگوهای منطقه‌ای را آغاز کردیم که خوشبختانه با تایید صلاحیت‌های جدید، اتفاق‌های خوشایندی رقم خورد و مسیر تغییر پیدا کرد.

**مهرابی:** تلاش ما این بود تا گفتگوی مستقیم بین کاندیداها به وجود بیاوریم. ما رزومه افراد را بررسی می‌کردیم و تحلیل و اقبال‌سنجی هم داشتیم، اما طرفدار هیچ فردی نبودیم. البته ما پیش از گفتگوهای منطقه‌ای، به دنبال گفتگوی فقیهی - دلخوش هم بودیم که تا حدودی موفق بود.

**نوبهار:** ما از ابتدا اعلام کرده بودیم که به دنبال معرفی فرد نیستیم تا به سرنوشت کارگروه اجماع در سال ۹۴ دچار نشویم.

**بخش دیگر سوالات من در خصوص حضور جوانان در انتخابات است. به نظر شما چه اتفاقاتی باعث شد تا جوانان در انتخابات این دوره گراش نقش آفرین شوند و قدرت‌های سنتی و رسمی به حاشیه بروند. آیا این طیف از قدرت تمایلی به دخالت در انتخابات نداشت یا اینکه عوامل مختلفی مانند این که فرد مطلوب‌شان تایید نشد یا در انتخابات حضور پیدا نکرد، باعث شد تا به حاشیه بروند.**

**نوبهار:** شکست گراش در انتخابات‌های ۹۰ و ۹۴ که نتیجه برنامه‌ریزی و سیاست‌ورزی طیف‌های سنتی قدرت در گراش

بود، موجب شد تا هم خود آن‌ها تمایل چندانی به تصمیم‌گیری مجدد نداشته باشند و هم اینکه در حاشیه و با چراغ خاموش حرکت کنند. ضمن اینکه مردم هم دیگر اعتماد چندانی به آنان در این رابطه نداشتند.

البته طیف‌های سنتی قدرت در گراش در نهایت کاندیدای خود را معرفی کردند، اما با انصراف آن فرد، ناکام ماندند و تا زمان برگزاری جلسه اجماع کنار رفتند.

مردم درخواست داشتند تا گروه جدیدی موضوع انتخابات را مدیریت کند؛ از این رو مسئولیت ما جدی‌تر شد و تلاش کردیم با شکست محله‌گرایی، در راستای اجماع گام برداریم.

زمانی که وارد مرحله نهایی انتخابات (پس از اجماع) شدیم، بخش زیادی از طیف‌های سنتی ورود پیدا کردند، اما نتوانستند به متن اصلی جریان وارد شوند. این موضوع چند دلیل داشت. دلیل نخست رویکرد مهندس حسین‌زاده بود. دلیل دوم هم این بود که این افراد در فرآیند اجماع نقشی نداشتند.

**مهربابی:** برخی از این افراد حتی تلاش داشتند، جلسه اجماع برگزار نشود و یا خوشبینانه‌ترین حالت این بود که برای برگزاری جلسه تلاشی نکردند. قرار بود برخی از این افراد، لیستی از معتمدین را برای انتخاب توسط داوطلبان جهت حضور در جلسه اجماع ارائه کنند که همکاری نکردند. حتی برخی از آنان در جلسه اجماع حضور پیدا نکردند. جالب اینکه تعدادی از افراد هم تا زمانی که دیگران انصراف ندادند، پای کار نیامدند.

**نوبهار:** من معتقدم که طیف سنتی به طور کامل حذف نشد؛ چرا که برخی از افراد این طیف در جلسات جمعیت جوانان و



در جلسه اجماع حضور پیدا کردند. آقای جهانبانی نیز پس از برگزاری جلسه اجماع، با انجام رایزنی‌های مختلف کمک‌های خوبی کرد. منتهی نقش اصلی را جوانان ایفا کردند. البته در این بین چالش‌هایی هم وجود داشت که مدیریت شد.

**مهربابی:** در اینجا باید از افرادی که میان سال هستند و از جوانان چه در جمعیت و چه در گروه ده نفره حمایت کردند، تقدیر و تشکر کرد. این حمایت‌ها که از سوی هر دو محله انجام گرفت، موجب دلگرمی ما شد و تقابل دو طیف جوان و میانسال را مدیریت کرد. این حمایت‌ها موجب شد تا در صحنه بمانیم و کسی مانع فعالیت ما نشود.

**به نظر می‌رسد دو عامل باعث شد تا جوانان میدان دار انتخابات سال ۹۸ شوند. نخست اینکه کاندیداهای گراشی جوان بودند و دوم اینکه شورای شهر به دلیل شکافی که در آن وجود دارد، نتوانست وارد فضای انتخابات شود. به نظر شما اگر آقای جهانبانی تایید صلاحیت می‌شد آیا باز هم جوانان چه جمعیت و چه گروه ده نفره می‌توانستند میدان دار باشند و به موفقیت دست پیدا کنند؟**

**نوبهار:** موضوع کاندیداهای جوان و پیر، مختص به گراش نبود و در فضای سیاسی کشور در خصوص آن بحث و گفتگو بود. به نظر من یکی از دلایل شکست لار در انتخابات هم این بود که چهار چهره برجسته لار یعنی آقایان بروجردی، جعفرپور، محتاجی و محبی، هیچ‌کدام جوان نبودند و این فرصتی برای گراش بود تا با مطرح کردن کاندیدای جوان در منطقه، آرای مردم را جذب کند.

در خصوص آقای جهانبانی هم باید گفت که اگر ایشان تایید صلاحیت می‌شد، به احتمال زیاد از هیچ ساز و کار عمومی به عنوان کاندیدای اجماع بیرون نمی‌آمد؛ چراکه مردم به سکوت سیاسی آقای جهانبانی علیرغم ثبت‌نام در هر دوره از انتخابات نقد داشتند. مگر اینکه کارگروهی مانند دوره قبل شکل می‌گرفت و آقای جهانبانی را انتخاب می‌کرد. در چنین شرایطی باز باید شاهد تکرار اتفاقات دوره قبل می‌شدیم؛ چراکه به نظر می‌رسید آقای جهانبانی تا پایان در صحنه باقی می‌ماند. او گفته بود که من با درخواست جمعی به میدان انتخابات وارد شده‌ام.

حامیان آقای جهانبانی هم به خوبی می‌دانستند که خروجی یک ساز و کار عمومی جهانبانی نخواهد بود، به همین دلیل به دنبال شکل دادن کارگروه بودند که البته با انصراف ایشان، ماجرا ناتمام ماند و ختم به خیر شد.

اگر آقای جهانبانی در صحنه انتخابات باقی می‌ماند، علاوه بر اینکه اتفاقات دوره قبل تکرار می‌شد، دوگانه جوانان و آزموده‌های سیاسی برای نخستین بار در شهر گراش به وجود می‌آمد. در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شد جوانان پیروز بشوند، اما آن تقابل به ضرر گراش و بیشتر به ضرر طیف سنتی و حذف همیشگی آنان می‌شد.

**مهربابی:** جهانبانی نماینده یک طیف خاص بود که پس از جلسه اجماع، آن حامیان با حضور در ستاد مهندس حسین‌زاده از حذف خود جلوگیری کردند. طیف سنتی گراش هم جز عده خاصی اقبال به ایشان نداشتند و این موضوع پیروزی جوانان در دوقطبی را محتمل‌تر می‌کرد.

**شما معتقدید که این دوقطبی وجود داشت یا اینکه شما به وجود می‌آوردید؟ چرا که وقتی شما پس از برگزاری جلسه اجماع به ستاد انتخاباتی حسین‌زاده پیوستید در ایجاد این دوقطبی در منطقه نقش داشتید.**

**نوبهار:** دوقطبی شفاف و صریحی که در مرحله نهایی انتخابات به وجود آمد، پیش از آن وجود نداشت، اما بسترش مهیا بود. اگر به گفتگوی رسانه‌ای حسین‌شیری در روز ثبت‌نام مراجعه شود، خواهید دید که او هم در تلاش برای ایجاد دوقطبی بود. دوقطبی که در مرحله نهایی شکل گرفت بنا بر شرایط و با هدف اثرگذاری بر آرای منطقه بود. برتری و مزیت مهندس حسین‌زاده علاوه بر تخصصش، جوان بودنش بود. جوانی که در برابر چهار چهره آزموده سیاسی لار قرار داشت. این فضا خودش دوقطبی داشت که ما تنها آن را برای مردم منطقه شفاف کردیم.

**مهربابی:** البته این دوقطبی پیش از مرحله نهایی انتخابات هم در گراش به وجود آمد، اما به تقابل کشیده نشد. یکی از کارکردهای جمعیت جوانان، سنگین‌تر کردن وزن جوانان در این دوقطبی بود. فعالیت آشکار جمعیت جوانان موجب شد تا گروه ده نفره که جلسات خود را غیرعلنی برگزار می‌کرد، اعلام موجودیت کند. تلاش‌های پنهانی هم که از سوی طیف‌های سنتی انجام می‌گرفت به حاشیه برود و به تدریج برخی‌ها حذف شوند. در واقع اعلام موجودیت جمعیت جوانان، پیروزی زودهنگام جوانان بود که فضای افکار عمومی را برای ادامه فعالیت‌های گروه ده نفره و برگزاری جلسه اجماع توسط جوانان هموار کرد.

**حسین‌زاده در تبلیغات انتخاباتی و پس از آن از پوست‌اندازی**

سیاسی در شهر گراش سخن گفت و تاکید کرد که مدیریت منطقه باید به دست جوانان سپرده شود. مولفه‌های پوست‌اندازی سیاسی در گراش چیست و آیا وجه ارزشی دارد و دوم اینکه تغییر مدیریتی در منطقه در چه سطحی باید باشد. آیا مدیریت‌های استراتژیک و راهبردی را هم می‌توان به جوانان سپرد؟

**مهرابی:** قدرت‌های سیاسی گراش پیوند مستقیمی با قدرت‌های مذهبی شهر دارد؛ یعنی متولیان هیات‌های بزرگ شهر و مساجد پرجمعیت و مرکزی گراش در عرصه سیاسی نقش آفرین هستند. این پیوند سابقه چند ساله دارد و به پیش از انقلاب اسلامی بازمی‌گردد.

اتفاقی که در این انتخابات رخ داد، این بود که آنان تا حدودی به حاشیه رفتند، اما حذف نشدند. به عبارت دقیق‌تر در این انتخابات مردم به افراد جوان اقبال بیشتری نشان دادند. اگر در انتخابات سال ۸۲ که آقای جهانبانی کاندیدای گراش بود، از جمعیتی جوان سخن به میان می‌آمد، مورد توجه آنچنانی مردم قرار نمی‌گرفت، اما اکنون فضا تغییر کرده و این فضا متاثر از فضای کشوری است. به نظر من منظور از پوست‌اندازی که مهندس حسین‌زاده از آن سخن گفته، همین است و این اتفاقی مثبت است.

**نوبهار:** در خصوص آن بخش از سوال شما در رابطه با واگذاری مدیریت‌ها باید گفت که متأسفانه هنوز آن نیروسازی مورد نیاز انجام نگرفته است، اما خوشبختانه اندیشه آن به وجود آمده است که جوانان هم می‌توانند در تصمیم‌سازی راهبردی منطقه نقش داشته باشند.

در این رابطه باید نیروسازی انجام بگیرد و جوانان خوش استعداد

منطقه به تشکیلات منطقه‌ای و ملی تزریق و آموزش دیده شوند. ما تاکنون تلاش کرده‌ایم شبکه‌ای از جوانان منطقه را با همین هدف به وجود بیاوریم که از جوانان توانمند شهرها و روستاها بهره برده‌ایم. این شبکه‌سازی تنها با هدف سیاسی نیست، بلکه اهداف فرهنگی، اقتصادی و در یک کلمه هدف راهبری و راهبردی دارد.

**سوال پایانی من در خصوص تغییر رویکرد جمعیت جوانان است. در بیانیه‌ای که شما منتشر کردید، اشاره‌ای به طرح و برنامه‌تان برای آینده جمعیت نکردید. دقیقاً می‌خواهید چه کاری انجام بدهید و آیا به دنبال تکرار کاداگ و گروه‌های دیگر هستید؟**

**نوبهار:** این روزها مردم و جوانان سوالات بسیاری در این خصوص از ما می‌پرسند، اما با توجه به شرایط پیش آمده اکنون بنا نداریم طرح و برنامه‌مان را اعلام کنیم و امیدواریم در فرصت مناسب آن را با مردم و جوانان در میان بگذاریم.

ما نمایندگی طیف خاصی را نداریم. جمعیت جوانان از ابتدا با خرد جمعی و طرح مباحث در جلسات عمومی جلو رفته و اکنون هم اگر عزم جمعی وجود داشته باشد، می‌توان کار را ادامه داد و نقش جوانان را در شهر پررنگ‌تر از گذشته دانست. در غیر اینصورت به نظرم ادامه کار صرفاً از توان من یا امیرحسین خارج است.

**بسیار ممنونم.**